نگاهی به وضعیتی که شبکه نمایش خانگی در پیش گرفته است

رقابت با تلویزیون برای قهقرایی شدن

میلاد جلیل‌زاده
خبرنگار گروه فرهنگ

شبکه نمایش خانگی پس از افت و خیزهای فراوان و چند تجربه شکست خورده پر سروصدا بالاخره از حدود یک دهه پیش توانست کم‌وبیش خودش را به طور جدی در بین مخاطبان ایرانی جا بیندازد. ابتدا سریال‌هایی ساخته می‌شد که مخاطبان سی‌دی هر قسمت از آن را می‌خریدند و در دستگاه‌های خانگی تماشا می‌کردند؛ این اما نتوانست کار را چنان از نظر اقتصادی به صرفه کند که ادامه تولیداتی از این دست دارای توجیه شود. سریال «شهرزاد» به این جریان جان تازه‌ای داد و امیدها را درباره‌اش زنده کرد؛ هرچند همچنان هر نوع سوالی راجع به توجیه اقتصادی این مجموعه، زیر بمباران رسانه‌ای و انواع تکفیر و تمسخر قرار می‌گرفت. مدت‌ها بعد پای سرمایه‌گذاران شهرزاد وقتی به دادگاه مفاسد اقتصادی باز و مجموعه تولید شده توسط آنها وقتی به عنوان ابزاری برای پولشویی معرفی شد که این مجموعه توانسته بود نقش خود را در اقتصاد سیاسی حوزه فرهنگی ایران به‌تمامی ایفا کند و بارش را بر زمین بگذارد. چهره نمادین و دروغین اقتصاد آزاد در بازار هنر ایران وقتی عیان شد که مدعیانش چند سنگر را فتح کرده بودند و سریال‌های نمایش خانگی به‌طور جدی روی دور تولید افتاده بود. برای شروع چنین جریانی به اصطلاح بازاری‌ها نیاز به مدتی خاک خوری بود، یعنی از همان ابتدا نمی‌شد به سود مالی حاصل از تولید و پخش برنامه در فضای خارج از رسانه ملی فکر کرد اما عده‌ای بنا به انگیزه‌های سیاسی تلاش داشتند هر طور شده این اتفاق رقم بخورد و از طرفی با ادعای خصوصی بودن محض فعالیت‌هایشان دست به گریبان بودند. همین شد که از فضایی سیاه و مشوه، پول‌هایی به این تولیدات تزریق شد که منشأ رسمی دولتی نداشت اما خصوصی هم نبود. پول صندوق‌های بازنشستگی بود، پول معلمان بود و پول سپرده‌گذاران بانک‌های خصوصی. پولی بود که از گران‌نمایی ملک و زمین توسط خریداری کارشناسان رسمی و فروش آنها به بانک به دست آمده بود. پول یکی از چند برادر دلال نفتی بود و القصه پولی که نه از جیب سرمایه‌گذاران این سریال می‌آمد نه با بهایی که مشتریان بابت سی‌دی‌های شهرزاد می‌پرداختند، تامین می‌شد. تا همین جای کار معلوم می‌شود که شبکه نمایش خانگی ایران سوای است هر کیفیتی که آثارش دارد و هر نوع جهت‌گیری محتوایی که در این آثار می‌توان دید، در نقطه آغازین راهش با دو برچسب اصلی و تعیین‌کننده همراه بود. اول اینکه تولید در آن صرفه اقتصادی نداشت اما ادعای تولید در بخش خصوصی را حمایل می‌کرد و دوم اینکه به‌رغم تولیدات غالبا سرگرم‌کننده، همراه با انگیزه‌های غلیظ سیاسی کارش را شروع کرد و می‌خواست که بدیلی برای صداوسیما ایجاد کند.

شانس بزرگی که فعالان عرصه نمایش خانگی در ایران نصیب‌شان شد این بود که دوره فعالیت آنها همزمان شد با دوره ضعف شدید صداوسیما در تولید محتوای سرگرمی. تلویزیون غیر از سریال‌های به اصطلاح روتین و معمولی‌اش که البته گاهی ممکن بود مخاطبان زیادی هم پیدا کنند، یکسری تولیدات ممتاز و ویژه داشت؛ یعنی چیزهایی که در فضای خارج از رسانه ملی نمی‌شد به خلق آنها فکر کرد.

یک ایده رو به جلو مثل سریال «پایتخت» که روایت‌های قالبی و کلیشه‌ای مرکزنشین را شکست و توانست در روستا طوری قصه بگوید که شهری‌ها هم اسیرش شوند یا سریالی مثل «وضعیت سفید» که واجد ویژگی‌های ممتاز هنری و کلیشه‌شکن بود، تنها در تلویزیون ملی امکان خلق داشتند. پروژه‌های بزرگی مثل «مختارنامه» و «در چشم باد» هم فقط در تلویزیون ملی قابل تولید بودند. در روند برنامه‌سازی هم ایده‌های مبتکرانه‌ای روی آنتن پدیدار شدند که از رهگذر آزمون و خطا پدید آمدند نه تقلید از یک نمونه موفق خارجی. شبکه نمایش خانگی اما تنها می‌توانست به سراغ همان دست تولیداتی برود که اصطلاحا روتین معمولی بودند. سریال‌هایش می‌بایست از قالب‌های جواب‌پس‌داده تبعیت می‌کرد و امکان ریسک خلاقانه در آنها وجود نداشت و برنامه‌های دیگرش از گفت‌وگو گرفته تا مسابقه و امثال آن، عموما کپی‌های محض از برنامه‌های جواب‌پس‌داده خارجی بود. با این حال باید پرسید چطور شد که نمایش خانگی ایران در این فضای محدود توانست لااقل در یک دوره زمانی خاص به موفقیت‌هایی دست پیدا کند که برتری نسبی‌اش را در قیاس با رقیب اصلی آن، یعنی تلویزیون نشان می‌داد؟

پاسخ را باید از رهگذر همان دو نکته‌ای پی گرفت که در نقطه آغازین این راه، به‌عنوان دو برچسب اصلی و تعیین‌کننده همراه شبکه نمایش خانگی بودند؛ ترجیح اولویت‌های سیاسی بر اقتصادی از یک سو و تعریف شدن این سازوکار به‌عنوان بدیل برای صداوسیما از سوی دیگر. وقتی سود نقد، جزء ملزومات یک فعالیت اقتصادی در حوزه فرهنگ نباشد، تلاش برای دستاوردسازی‌های نمادین معنا پیدا می‌کند. آمارسازی و درشت‌نمایی‌های آماری که در جهت پرمخاطب به نظر رساندن تولیدات صورت می‌گرفت جای مواجهه حقیقی با واقعیات بازار مخاطبان را گرفت. در تلویزیون ملی هم تولیدات لزوما با هدف‌گیری اقتصادی تولید نمی‌شوند اما حداقلش این است که این رسانه از برخی مدعیات بازاری معاف است و امکان ریسک خلاقانه در بستر آن وجود دارد. نکته دوم تعریف شبکه نمایش خانگی به‌عنوان قطب مقابل صداوسیما و بدیل آن است. این قطب‌بندی باعث شد که ضعف صداوسیما به حساب قوت شبکه نمایش خانگی گذاشته شود حال آنکه در واقع چنین نبود و این رقیب تازه‌وارد را نمی‌شد حتی با گذشته نه چندان دور رسانه ملی مقایسه کرد. اگر فاصله صداوسیما با گذشته خودش بیشتر از فاصله نمایش خانگی با آن گذشته است، این فقط می‌تواند ذوق و شوقی کاذب در کسانی ایجاد کند که بر مجموعه‌ای از پیش باخته برنده شده‌اند. شبکه نمایش خانگی در این حباب آماری و در این گردونه بزرگ‌نمایی دستاوردها تا جایی پیش رفت که صرفا با خودش و نمونه‌های مشابه خودش رقابت می‌کرد و فلش‌های حرکت عمودی‌اش از سمت و سوی وضعیت ایده‌آل، به سمت ایده‌آل‌نمایی خم شد.

متکی بر ضعف رقیب

با آمارسازی اگرچه در کوتاه‌مدت می‌توان دلخوشی‌هایی به دست آورد اما در بلندمدت حقیقت بر سر همان دلخوشی‌ها آوار خواهد شد. افت کار شبکه نمایش خانگی در نوروز امسال اگرچه نقطه‌ای بود که کاغذی بودن این سازه را در اعلی حد خود نشان می‌داد، اما پدیده‌ای دفعی و ناگهانی نبود. به عبارتی این سقوط یک‌شبه به حساب نمی‌آمد و حتی عبارت دقیقی نیست اگر درباره‌اش بگوییم سقوط تدریجی؛ بلکه زور بزک‌ها برای سرپا ماندن، رفته‌رفته کمتر شد و پرده‌هایش رشته‌رشته فرو ریختند. آنچه از ابتدا ایجاد شده بود یک بزرگ‌نمایی مرعوب‌کننده بود و نتیجه فعلی و امروزی‌اش را می‌شد همان ابتدای راه با محاسبات تحلیلی کاملا پیش‌بینی کرد.

شبکه نمایش خانگی از ابتدا هیچ سرمایه‌ای نداشت جز ضعف رقیبش، یعنی رسانه ملی و هنوز هم جز این چیزی ندارد. غالبا تلویزیون ایران را در وضعیت امروزی‌اش به یک جزیره تشبیه می‌کنند که با همه اهالی جامعه نمی‌تواند ارتباط برقرار کند اما شبکه نمایش خانگی هم همین خصوصیت را دارد. نمایش خانگی ایران هم جزیره‌ای است که بریدگان از صداوسیما به آن پناهنده می‌شوند و عبور از چند خط قرمز متعارف مثل روسری عقب‌تر و یقه بازتر و چند تا دری‌وری و متلک جنسی می‌خواهد ما به‌لامتیاز زیست در این جزیره نسبت به زیست در فضای فرهنگی صداوسیما باشد. به مدیران فعلی صداوسیما این نقد وارد است که واپرال شدن تکه‌ای کوتاه از برنامه‌ای تلویزیونی در فضای مجازی را به حساب آمار بینندگان تلویزیون می‌گذارند. گاهی حتی این بریده‌ها به‌عنوان مچ‌گیری از رسانه ملی دستگردان می‌شوند و مفهومی معکوس با مفاهیم القایی مدیران سازمان دارند. مثلا تماشا شدن بریده‌ای از گفت‌وگوی خانمی که گفت «صداوسیما مال حزب‌اللهی‌هاست» حتی اگر در فضای مجازی مقیاسی میلیونی داشته باشد، برای مدیران صدا و سیما باعث افتخار نیست یا خانم دیگری که در مصاحبه‌ای دیگر، پیش از آن گفته بود هر کس از وضعیت راضی نیست بگذارد و از مملکت برود هم بسیار در فضای مجازی دیده شد که همان حکم، بر این دیده شدن مترتب است اما مهم‌تر از آن این است که وقتی چیزی کات خورد و به تلگرام یا اینستاگرام رسید، دیگر محتوای همان پلتفرم‌هاست نه تلویزیون و تماشاگرانش جزء آمار کاربران تلگرام و اینستاگرام به حساب می‌آیند نه رسانه ملی. این مساله درمورد شبکه نمایش خانگی هم وجود دارد و یکسری حرف‌های رکیک و متلک‌ها و موقعیت‌های عجیب نمایشی یا گفت‌وگومحور که در فضای مجازی اصطلاحا وایرال می‌شوند، تنها جنبه‌ای است که باعث می‌شود خیلی از مخاطبان نسبت به تولید چنین محصولاتی در شبکه نمایش خانگی مطلع شوند. کارگران بی‌جیره و مواجب اینستاگرام و تلگرام تولید شدن محتواهایی در این پلتفرم‌ها را صرفا به این دلیل که ماده خام آن از برنامه‌های خودشان تهیه شده به حساب دیده شدن برنامه‌های خودشان می‌گذارند؛ مثل اینکه تصور کنیم چون خودروسازی یا تولیدات الکترونیک در شرق آسیا و غرب اروپا با مواد خام به دست آورده از نفت تولید می‌شود، ما هم در آن افتخارات تکنولوژیک و در آمار آن بازارهای بزرگ سهیم هستیم. حالا در نقطه‌ای هستیم که از این به بعد هر کس شکست چنین ایده خامی را باور نکرده باشد صرفا در حال فریب خودش یا دیگران است. در حال حاضر فضای تولید محتوای سرگرمی در کشور افتاده است درون یک دوگانه قهقرایی که طرفین آن، یعنی رسانه ملی و شبکه نمایش خانگی، در اینکه نسبت به طرف مقابل کمتر بد باشند مسابقه می‌دهند و رقابت‌شان بر سر بالاتر بودن نسبت به یک دیگری در حال سقوط است.

لغو ادامه‌دار کنسرت‌ها در بوشهر واکنش مسئولان وزارت ارشاد را در پی داشت

تاکی به مجوزهایتان سنجاق می‌شوید؟

عاطفه جعفری
خبرنگار گروه فرهنگ

«لغو شد.» این دو کلمه این روزها در بوشهر بسیار کاربرد دارد. گروه‌های موسیقی دعوت می‌شوند، مجوز می‌گیرند؛ به بوشهر می‌رسند اما درنهایت با نامه‌ای مواجه می‌شوند که از به صلاح نبودن برگزاری کنسرت‌شان خبر می‌دهد. حالا اینکه این صلاح از کجا می‌آید و چه کسی این صلاح را می‌سنجد و تشخیص می‌دهد که نباید این کنسرت برگزار شود، مشخص نیست!

صلاح نیست کنسرت برگزار شود!

بارها اعلام شده است که مرجع مجوز و تصمیم‌گیری برای کنسرت‌ها، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است و باید در این مورد این وزارتخانه تصمیم بگیرد که کنسرتی برگزار شود یا نه. اما در این میان عده‌ای هستند که می‌خواهند فضا را به سمت و سوی دیگری ببرند و با دخیل کردن سلیقه جلوی قانون بایستند. در چندین گزارشی که پیش از این در روزنامه «فرهیختگان» منتشر کردیم از این سلیقه‌های شخصی گفتیم که صلاح می‌بینند دخالت کنند و کنسرت‌ها لغو شود. در گزارشی که هفته گذشته در حوزه موسیقی، منتشر شد و اتفاقات موسیقی در سال ۱۴۰۲ را بررسی کردیم، رضا مهدوی، از کارشناسان موسیقی، گفت: «دولت (وزارت ارشاد) به جای اینکه انرژی بگذارد برای حل کردن موضوعات کلان حوزه موسیقی، باید به دنبال مجوزی که صادر می‌کند، بدود و از این استان به آن استان برای برگزاری کنسرت سفر کند!» حتما این موضوع مهم است. اتفاقاتی که سال گذشته برای کنسرت علیرضا قربانی در اصفهان افتاد دقیقا مصداق همین سلیقه‌های شخصی بود. در گزارشی که درمورد این موضوع نوشتیم، گفته شد، ظاهر امر این است که قوت یافتن توان خودسرها برای لغو کنسرت از مشهد شروع شده است. تصمیمی که از جانب امام جمعه مشهد صورت گرفت و بنا به استدلال‌های خود از چند سال پیش مانع از برگزاری کنسرت در این شهر شد. اما اگر تا چند سال پیش فقط در دو شهر اجازه برگزاری کنسرت وجود نداشت، حالا مدعیان زیادی هستند که نمی‌خواهند تن به قانون و مجوزی که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر می‌کند، بدهند. اصفهان از جمله شهرهایی بود که برخی برگزاری کنسرت را در این شهر به صلاح نمی‌دانستند. درمورد اصفهان و کنسرت علیرضا قربانی وزارت ارشاد پیگیری کرد و بالاخره اجرا شد. اما وزارت ارشاد و در راس آن وزیر ارشاد، یا جانشین و معاون هنری او تا چه زمانی می‌توانند به مجوزها سنجاق باشند و برای برگزار شدن یک کنسرت قانونی به شهرهای مختلف بروند تا مانع از اجرا نشدن کنسرت‌ها بشوند؟

ماجرای لغو کنسرت‌ها در بوشهر

ماجرای لغو کنسرت‌ها در بوشهر به امسال برنمی‌گردد و منشأش را باید فستیوال کوچه بدانیم. مجوزها برای حضور در عمارت سیدرئیس بوشهر و برگزاری برنامه‌های مختلف صادر شده بود. همه موازین در همان عمارت که مجوز گرفته شده، رعایت می‌شد اما درنهایت به خاطر اتفاقاتی که در حاشیه فستیوال کوچه افتاد، اختتامیه این فستیوال از جانب مدیران استانی لغو شد و چند اجرا در همین عمارت به سالن‌هایی دیگر منتقل شد. وزیر فرهنگ و ارشاد در آن زمان در سفر ترکیه بود بعد از بازگشت درمورد حاشیه‌های این برنامه هنری گفت: «بنده هنگام لغو اختتامیه این فستیوال خارج از کشور بودم، اما دوستانم این موضوع را هم مانند هر تحول کوچک و بزرگ دیگری به من منتقل کردند. ممکن است در یک اجرا اشکالاتی هم وجود داشته باشد، اما جنس کار مشابه نام فستیوال مردمی بود. گزارش‌های این اتفاق را دیدم، بنای من و دوستانم این است که از این حرکات مردمی حمایت شود. حالا در نقطه‌ای شاید مشکلی باشد که گفتم مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر، آقای افروغ که مورد اعتماد اهالی فرهنگ و هنر این شهر هستند بررسی‌هایی انجام دهند و به ما اعلام کنند. شاید مباحثی که در بستر عمومی اتفاق می‌افتد مسائل و مشکلاتی داشته باشد و ملاحظاتی وارد کار شود، اما گفتم لغو اختتامیه این رویداد با جزئیات بررسی شود و از همه کارهای هنری در چهارچوب قوانین موجود حمایت شود. گزارش بررسی این موضوع را به صورت شفاف به رسانه‌ها اعلام خواهیم کرد.» گزارش این لغو هیچ‌وقت به صورت رسمی از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام نشد.

در سال جدید هم لغو کنسرت‌ها ادامه داشته و کنسرت آرمان گرشاسبی در فروردین ماه و معین زندی در اردیبهشت لغو شد و هر دو به دستور اداره اماکن استان لغو شدند؛ آن هم در شرایطی که همین اداره در تاریخ ۲۵ فروردین، نامه برگزاری کنسرت آرمان گرشاسبی را صادر می‌کند و درست چند روز بعد، با صدور نامه‌ای دیگر با مهر «آنی»، برگزاری هر دو کنسرت را خارج از مصلحت می‌داند. عبدالرحیم افروغ، مدیرکل ارشاد بوشهر، گفت: «سیاست‌ها و قوانین موجود برای برگزاری کنسرت موسیقی مشخص و شفاف است. این روال در استان بوشهر شکل طبیعی خود را طی می‌کند اما در اقدامی نادر و به دلیل یک سری ناهماهنگی‌ها در خارج از فضای کاری ارشاد اسلامی استان شاهد لغو مجوزهای برگزاری کنسرت‌هایی در بوشهر بودیم که موضوع اصلاح و سوءتفاهم ایجاد شده رفع شده است.»

مشکلی برای برگزاری کنسرت در بوشهر نداریم

افروغ در گفت‌وگویی که روز گذشته با ایسنا داشت درباره لغو این کنسرت‌ها گفت: «کنسرت آرمان گرشاسبی مجوزهای لازم را دریافت کرده بود، منتها لغو آن به علت ماجرایی بود که بین اداره اماکن و موسسه آوای هنر (شرکت کنسرت‌گزار) پیش آمده بود؛ البته این مشکل سوءتفاهمی بیش نبود و با صحبت حل شد. در ارشاد مشکلی برای برگزاری کنسرت نداشتیم ولی فضا در مجموعه‌های نظارتی به سمتی پیش رفت که مجوز کنسرت آقای گرشاسبی لغو شد. پس از حل مشکل چون از زمان برگزاری گذشته بود، دیگر کنسرتی برگزار نشد اما برای برگزاری کنسرت گرشاسبی در آینده مشکلی نداریم. چون لغو کنسرت آرمان گرشاسبی حاشیه‌ساز شده بود، برای کنسرت معین زندی مجوزی صادر نکردیم که بخواهد لغو شود. برگزارکنندگان کنسرت این خواننده در سامانه درخواستی برای برگزاری داده بودند که چون صدور مجوزهای لازم به تأخیر خورد، درنهایت کنسرت این خواننده به بعدا موکول شد. حتی موسسه «آوای هنر» نیز در فضای مجازی خبر لغو این کنسرت را اعلام کرد و در بوشهر لغو جدیدی نداشتیم. در حال حاضر قرار است جشنواره موسیقی خلیج فارس را با توجه به فرارسیدن روز خلیج فارس داشته باشیم و پس از برگزاری آن کلیه درخواست‌های برگزاری کنسرت را بررسی می‌کنیم و مجوز خواهیم داد. به‌طور کلی مشکلی برای برگزاری کنسرت در استان نداریم.» گفته‌های مدیرکل ارشاد که می‌گوید «مشکلی نداریم» نشان می‌دهد که باز هم همان سلیقه‌های شخصی در میان است که نمی‌خواهند کنسرت در این شهر برگزار شود. حرف‌های محمود سالاری، معاون هنری وزیر ارشاد که با خبرگزاری آنا گفت‌وگویی در این موضوع داشته است و می‌گوید: «فصل‌الخطاب همه این اتفاقات همین مصوبه ابلاغ‌شده از سوی سرتیپ سید مجید میراحمدی، معاون سیاسی امنیتی وزارت کشور به همه استان‌هاست که همه موظف هستند آن را اجرا کنند، ما هم پیگیر هستیم تا همان ابلاغیه عملیاتی شود که اگر این اتفاق رخ دهد، مجوزهای وزارت فرهنگ و ارشاد هم طبق مصوبه و ابلاغیه همه استان‌ها می‌بایست اجرا شود. در حال حاضر مقاومت‌ها و مشکلاتی در برخی شهرها و استان‌ها، چون بوشهر پیش آمده، اما ما می‌خواهیم به سمتی حرکت کنیم که شرایط پایدار و منسجمی را هم در حوزه معاونت‌های سیاسی امنیتی استان‌ها و هم معاونت هنری و اداره کل ارشاد استان‌ها شاهد باشیم، این اتفاق به‌تدریج به یک همدلی خواهد رسید.»

شرایط پایدار چه زمانی درست می‌شود؟

صحبت‌های معاون هنری ارشاد و نکته‌ای که درمورد حرکت به سمت شرایط پایدار می‌گوید، دقیقا موید مطالبی است که در این گزارش نوشتیم. اینکه بوشهر هم جزء شهرهای ممنوع برگزاری کنسرت شود و مسئولان استانی به این نتیجه برسند که بهترین کار لغو کنسرت‌ها است تا حاشیه‌های پیش نیاید حتما کار درستی نیست. مطمئنا الان زمان آن رسیده است که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تکلیف برگزاری کنسرت در استان‌ها را مشخص کند و با ایستادن پای مجوزهایی که صادر می‌کند، جلوی این خودسری‌ها و تصمیم‌های آنی را بگیرد. فارغ از مردمی که منتظر برگزاری کنسرت‌ها هستند، یک گروهی وجود دارد که برنامه‌ریزی می‌کند، هزینه می‌کند اما به یک باره با حکم «لغو شد»! مواجه می‌شود.

آنهاکه مثل علیرضا قربانی نیستند، چه کنند؟

درخصوص ممیزی کتاب و روند قانونی آن در وزارت ارشاد یک گزاره مشهوری است که ممکن است سلایق و برخوردهای شخصی جلوتر از بندها و ضوابط قانونی بر شیوه‌های ممیزی کتاب اثرگذار باشد. در چنین وضعیتی اگر نویسنده اسم و رسم‌دار باشد مثل سیدمهدی شجاعی یا شفیعی‌کدکنی یا خسرو معتضد که صدای رسایش را برای اعتراض بلند کند، شاید بتواند راه به جایی ببرد و حتی خود وزیر ارشاد هم جلسه حضوری برای رفع مشکل کتابش بگذارد اما این وسط تکلیف آن کتاب، نویسنده و ناشری که خوشایند طبع و نظر ساکنان ساختمان ارشاد نیست، چه می‌شود؟

الان برای کنسرت‌های موسیقی هم این مورد را می‌توان گفت که برای علیرضا قربانی که حتما چهره فرهیخته هنر و موسیقی ایران است، وزارت ارشاد پای مجوزی که صادر می‌کند می‌ایستد و جانشین وزیر به‌عنوان نماینده این وزارتخانه برای اجرای این خواننده به اصفهان می‌رود. اما برای خواننده‌های دیگر چه کاری انجام می‌گیرد؟ حتما منظور نگارنده همان طور که در بالا گفته شد، این نیست که باید این مسئولان به مجوزها سنجاق شوند تا کنسرت برگزار شود، بلکه بودن سازوکاری است که همان مدیر استان هم بتواند آن را مدیریت کند و جلوی خودسری‌ها را بگیرد. وزارت ارشادی که حرف از بازگشت معین به ایران می‌زند و می‌خواهد مجوزهای لازم به این خواننده را برای برگزاری کنسرت بدهد، آیا به این حواشی هم فکر کرده است؟

ادامه از صفحه ۱۲

دوشنبه ۳ اردیبهشت ۱۴۰۳
شماره ۴۱۱۹
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی بندپی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۰۰۱۷۰۴۴۷۹ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بندپی تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای اسماعیل شیرعلی نژاد کامی فرزند رستم به شماره شناسنامه ۱۰۳ صادره از بندپی غربی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است با (کاربری تجاری) به مساحت ۶۵/۵۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۹- اصلی کلاسه ۱۴۰۲۱۱۴۴۱۱۷۰۰۰۱۱۵ واقع در بزرودپی بخش ۹ ثبت بندپی خریداری با واسطه از مالک رسمی آقای محمدحسین اعتمادی و سایر مالکین رسمی مشاعی محرز گردیده است. لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین‌نامه مربوطه و به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه محلی و کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها علاوه بر انتشار آگهی در محل الصاق تا درصورتی‌که اشخاص ذی‌نفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا ۲ ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک‌ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و درصورتی‌که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۲/۰۳
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۲/۱۸
میم الف: ۱۶۹۹۹۹۸
محمد حبیب‌زاده گنجی - رئیس ثبت اسناد و املاک بندپی

مدرسه عالی مهارتی رسانه‌ای فرهیختگان
۰۹۱۰۸۱۰۶۵۳۵
Farhikhteghan_school
ارائه مدرک معتبر و رسمی از مدرسه عالی مهارتی دانشگاه آزاد اسلامی

نوبت دوم

شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران منطقه هرمزگان

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای همزمان با ارزیابی کیفی

شماره فراخوان: ۲۰۰۳۰۹۲۸۶۸۰۰۰۰۲
مناقصه گزار: شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه هرمزگان
موضوع: مناقصه عمومی یکمرحله‌ای همزمان با ارزیابی کیفی مشروح ذیل:
(حجمی/زمانی تخلیه و بارگیری مخزندارهای ریلی انبار نفت شهید رجایی)
تاریخ مهلت ونشانی محل دریافت تحویل اسناد مناقصه:
پس از انتشار آگهی در روزنامه کلیه مناقصه گران برای دریافت کامل اسناد مناقصه و بارگذاری پاکت‌های الف - ب و ج به سایت irhttp://setadiran. مراجعه نمایند.
۱- نوع و مبلغ تضمین: ضمانت‌نامه فرایند ارجاع کار مناقصه به مبلغ ۱۳/۰۱۰/۰۰۰/۰۰۰ (سیزده میلیارد و ده میلیون) ریال درصورت واریز نقدی به شماره حساب ۲۱۷۲۵۸۸۰۲۸۰۰۳ بانکمرکزی یا به شماره شبا IR۶۷۰۱۷۰۰۰۰۰۰۲۱۷۲۵۸۸۰۲۸۰۰۳ (حساب در بانکملی شعبه نفت می‌باشد) به نام شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران منطقه هرمزگان. (شماره ثبت ۶۷۳۳۷، کد اقتصادی: ۴۱۱۱۱۱۷۱۳۹۷۹، شناسه ملی: ۱۰۱۰۱۱۲۲۹۰۴، کدپستی: ۷۹۱۷۹-۱۴۵۷۵)
۲- مبلغ برآورد ۲۶۰/۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
۳- مدت اجرای کار ۱۲ ماه می‌باشد.
۴- دارای حداقل سابقه کاری مرتبط
۵- دارابودن گواهینامه تایید صلاحیت ایمنی و گواهینامه تعیین صلاحیت کار از اداره کل تعاون و کار و رفاه اجتماعی (تصویر گواهینامه‌ها در هر دو پاکت ب و پاکت ارزیابی کیفی قرار داده شود.)
۶- ارائه آخرین صورت‌های مالی حسابرسی شده
۷- ارائه آگهی مربوط به شخص یا اشخاصی که طبق آخرین تغییرات در روزنامه رسمی مجاز به امضای اسناد تعهدآور شرکت می‌باشد. (تصویر آخرین تغییرات اساسنامه در پاکت ب و پاکت ارزیابی کیفی قرار داده شود.)
۸- تصویر اساسنامه شرکت (مناقصه‌گر) در پاکت ب و پاکت ارزیابی کیفی قرار داده شود.
۹- ارائه تاییدیه آخرین نمونه امضاء مدیرعامل و رئیس هیات مدیره در پاکت ب و پاکت ارزیابی کیفی
۱۰- احراز امتیاز حداقل ۶۰ براساس معیارهای ارزیابی کیفی وتوانمندی‌های بهداشتی وزیست محیطی (HSE) الزامی می‌باشد.
۱۱- تصویر کلیه گواهینامه‌ها و مدارک فوق در هر دو پاکت ب و پاکت ارزیابی کیفی قرار داده شود.
۱۲- توزیع اسناد پس از انتشار آگهی به مدت ۱۰ روز کاری از تاریخ ۱۴۰۳/۰۲/۰۱ لغایت ۱۴۰۳/۰۲/۱۱، مهلت بارگذاری پاکت‌های «الف، ب، ج» در سامانه ستاد ایران تا ساعت ۱۹ مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۲۴ می‌باشد. بازگشایی پاکت ارزیابی کیفی مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۲۵ و تاریخ بازگشایی پاکت‌های الف، ب و ج متعاقبا اعلام خواهد شد (پاکت تضمین در یک لفاف سربسته در مهلت و محل تعیین شده همراه با نامه به دبیرخانه مناقصات این شرکت تحویل گردد. بازگشایی پاکت‌ها با حداقل سه مناقصه‌گر انجام خواهد شد).
۱۳- جلسه توجیهی مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۱۷ ساعت ۱۰ صبح برگزار می‌گردد (حضور در جلسه الزامی است).
۱۴- پس از طی مراحل قانونی، پاکت‌های الف، ب و ج مناقصه‌گرانی بازگشایی خواهد شد که حداقل امتیاز لازم در ارزیابی HSE را کسب کرده باشند.
۱۵- به پیشنهادهای فاقد امضا، مشروط، مخدوش و همچنین پیشنهاداتی که پس از مهلت مقرر در فراخوان واصل گردد ترتیب اثر داده نخواهد شد. ارقام به ریال و حروف/عدد درج و فاقد خط خوردگی/لاک‌گرفتگی باشد.
نکته مهم، تمامی مناقصه‌گران/شرکت‌ها باید در سامانه ستاد ثبت نام و کلیه پاکت‌های الف، ب و ج و ارزیابی خود را در سامانه ستاد ایران بارگذاری نمایند (فایل‌ها می‌بایست به صورت پی‌دی‌اف باشد) (پاکت ب و ارزیابی به دلیل حجم بالای فایل ترجیحا به صورت فشرده و در قالب یک فایل باشد).
روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه هرمزگان
نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۲/۰۱ - نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۲/۰۳
شماره شناسه ۱۶۹۷۰۲۲